

# تحلیل ژئوپلیتیکی رویارویی ایالات متحده و روسیه در قطب شمال

سجاد کریمی پاشاکی<sup>۱\*</sup>

روح‌الله منعم<sup>۲</sup>

محمدصادق یحیی پور<sup>۳</sup>



فصلنامه علمی پژوهشی  
سیاست جهانی،  
دوره دوم،  
شماره اول،  
بهار ۱۳۹۲

## چکیده

پس از انقلاب صنعتی و روند رو به رشد جوامع به سمت صنعتی شدن و نیز افزایش جمعیت، بروز دو جنگ جهانی و نیز تلاش‌ها برای رفع خرابی‌های این دو جنگ و پس از آن جنگ سرد و تلاش ابرقدرت‌ها برای افزایش توانمندی نظامی از طریق تولیدات سلاح-های بازدارنده، تأثیرات شگرفی در فرایند بوم‌شناسی جهانی رخ داده است. این تغییرات محسوس اقلیمی به خصوص در سالهای اخیر باعث شده دولت‌ها توجه بیشتری بر محیط زیست خود داشته باشند و رژیم‌های بین‌المللی خاصی پیرامون جلوگیری از گرم شدن زمین منظور نمایند. رهیافت واقع‌بینانه بر پدیده‌های آب و هوایی، موضوعی جدید است که با توجه به تأثیر اقلیم بر سیاست، فصل نوینی از مطالعات دانش ژئوپلیتیک را رقم زده است. از آنجایی که رشد فزاینده فناوری و تأثیر فعل و انفعالات انسانی بر تغییرات آب و هوایی، تأثیر عمده‌ای بر گرم شدن کره زمین و به تبع آن آب شدن یخ‌های قطب شمال

۱. دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، تهران

۲. دانشجوی دکتری رشته روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان

۳. دانشجوی دکتری رشته جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران

\* نویسنده مسؤل: [sajadkarimipashaki@yahoo.com](mailto:sajadkarimipashaki@yahoo.com)

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۲/۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۱/۱۲

فصلنامه سیاست جهانی، دوره دوم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۲، صص ۱۷۴-۱۵۳

گذارده است از این رو علاوه بر تغییرات بوم‌شناسی، تغییر مرزها، زیر آب رفتن خشکی‌های کشورهای همجوار این منطقه و نیز امکان دسترسی و استخراج منابع عظیم سوخت‌های فسیلی قطب شمال را فراهم ساخته است. این نوشتار با نگرشی واقع‌بینانه با بررسی اهمیت تغییرات اقلیمی بر قطب شمال ضمن بررسی تأثیرات این تغییرات به وضعیت کشورهای حاشیه قطب به ویژه استراتژی ایالات متحده و روسیه در این منطقه می‌پردازد و بیان می‌کند که قطب شمال در آینده توانایی تغییر در توازن ژئوپلیتیکی این کشورها را خواهد داشت.

**واژه‌های کلیدی:** ژئوپلیتیک، تغییرات اقلیمی، قطب شمال، محیط زیست، مرزها، استراتژی



سیاست جهانی

مقدمه

تغییرات اقلیمی به عنوان محصول زندگی اجتماعی انسانها و در راستای آن انتشار گازهای گلخانه‌ای و نیز گرم شدن زمین بدون شک به عنوان بحرانی مهم در آینده نه چندان دور در زندگی بشر ارزیابی می‌شود. بسیاری از صدماتی که بر ساختار بوم‌شناسی جهانی وارد آمده قابل جبران نیست و هراز گاه با بروز بلایای طبیعی در نقطه‌ای از جهان سر می‌نمایند. این موضوع مسلم است که تشدید آلاینده‌های هوا و تغییرات اقلیمی در نتیجه اقدام انسانها در دوره مدرنیته و پس از انقلاب صنعتی پدید آمده است. به عبارتی دیگر، بیشتر تغییرات اقلیمی در طول دوره تکاملی انسان مربوط به دوره احساس نیاز گسترده جوامع صنعتی به انرژی و هم‌زمان انتشار گازهای گلخانه‌ای بود (Glover, 1: 2006). در واقع جبر جغرافیایی در حوزه اقلیم رخ نشان داد و انسان را با بحرانی به نام پدیده گرمایش زمین و تغییرات گسترده اقلیمی مواجه ساخت. با برداشت‌های واقع‌بینانه از وضعیت کنونی جهان این مسئله مشخص می‌شود که چالش تغییرات جوی تا چه حد می‌تواند بر مناسبت کشورها و نیز سیاست و اقتصاد بین‌الملل تاثیر گذار باشد. امنیت بین‌الملل با بروز تحولات اقلیمی به چالش کشیده می‌شود. امکان جابه‌جایی انسانها و مهاجرت آنها از نقطه جغرافیایی خاص به نقطه دیگر و نیز تبعات امنیتی آن و نیز راهبردهای نظامی و دفاعی کشورهایی همچون ایالات متحده و روسیه در صحنه رقابت‌های فی مابین و تغییر در مرزهای زمینی و دریایی به دلیل آب شدن یخ‌های قطبی همواره از عوامل تأثیرگذار بر ژئوپلیتیک منطقه‌ای و جهانی محسوب می‌شوند. نگاهی

تحلیل ژئوپلیتیکی  
روبارویی ایالات  
متحده و روسیه در  
قطب شمال

واقع‌بینانه بر فرایند تغییرات اقلیمی نه تنها چشم اندازهای ژئوپلیتیکی از تأثیرات آن بر قطب شمال را متصور می‌سازد بلکه شکل‌گیری ابعاد جدیدی از حس ژئوپلیتیک<sup>۱</sup> و بازیگری کشورها در این منطقه از جهان را قوت می‌بخشد، زیرا علاوه بر مشکلاتی که طبیعتاً دربارهٔ محیط زیست قطب شمال وجود دارد، ابعاد جدید قلمروخواهی توسط کشورها تجلی پیدا خواهد کرد. با توجه به اینکه ۶ کشور به طور مستقیم در حاشیه قطب شمال همسایه آن محسوب شده که همواره ادعاهایی پیرامون منابع و نیز توسعه مرزهای خود به سمت قسمت‌های شمالی مطرح می‌کنند، لذا بررسی تحولات ژئوپلیتیکی ناشی از تغییرات جوی در این منطقه می‌تواند سیاست کشورهای بزرگی چون ایالات متحده و روسیه را بازگو کند. این دو کشور همواره تلاش می‌کند قلمروخواهی طرف مقابل را در قطب شمال محدود سازند زیرا این موضوع مشخص است که صحنه عملیاتی استراتژیک آینده جهان، می‌تواند قطب شمال باشد. بنابراین تلاش برای درک سیاست‌ها و استراتژی‌های دو کشور روسیه و آمریکا در منطقه می‌تواند اهمیت ژئوپلیتیکی قطب شمال را برجسته سازد.

### ۱- روش تحقیق

این تحقیق با روش تحلیل- توصیفی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای- اینترنتی و نیز بهره‌گیری از نقشه‌های موجود سعی دارد تا با تحلیل جایگاه ژئوپلیتیک قطب شمال به تأثیر تغییرات اقلیمی بر قلمروهای ادعایی کشورها به ویژه استراتژی روسیه و ایالات متحده در این منطقه بپردازد. از این رو تلاش می‌شود تا فرصت‌هایی را که تغییرات اقلیمی در ابعاد مختلف انرژی و راه‌های دریایی ایجاد می‌کند تحلیل کند و به پرسش زیر پاسخ دهد: تغییرات ژئوپلیتیکی ناشی از تغییرات اقلیمی در قطب شمال چه تأثیری بر قلمروخواهی کشورهای روسیه و ایالات متحده آمریکا خواهد گذاشت؟

### ۲- مبانی نظری تحقیق

#### ۲-۱- مطالعات سیاسی تغییرات اقلیمی

مکاتب جغرافیایی با تأکید بر سیاست بیشتر بر عوامل زمین و دریا محور استوار بود در حالی که آب و هوا اگر چه تأثیر متناهی بر زمین و دریا می‌گذارد اما به عنوان کانونی جدید در مطالعات بوم‌شناسی سیاسی و نیز علم ژئوپلیتیک جهت پیش‌بینی آینده روابط

بین‌الملل و مسائل مربوط به قلمرو قرار گرفته است. در گذشته استراتژیست‌های نظامی از آب و هوا و اقلیم به عنوان فاکتوری کلیدی در جنگ‌ها استفاده می‌کردند. این مسئله به ویژه در جنگ جهانی دوم و از پای در آمدن ارتش آلمان نازی در یخبندان سیبری نمایان شده بود. با این حال تأثیر محدود بر برنامه‌ریزی‌های بلند مدت سیاستمداران در عرصه روابط بین‌الملل داشت. اقلیم کره زمین، در نیمه دوم قرن نوزدهم، دستخوش تغییر مهمی شد. البته تأکید بر روی دمای هوا به‌عنوان مولفه اصلی این تغییر بیشتر بوده است. با این حال، جابه‌جایی فراگیری در رژیم‌های بارندگی، الگوهای فشار و دمای سطح آب، دریاها صورت گرفته است (عزیزی، ۱۳۸۲: ۲۰۶). این تغییرات به خصوص پس از نیمه اول قرن بیستم و پدیدار شدن پدیده‌های نامطلوب اقلیمی چون طوفان‌های کاترینا، ال نینو، زلزله‌های بزرگ، سیل‌های سهمگین، خشکسالی‌های بی‌سابقه و ... علاوه بر تأثیرگذاری بر بوم‌شناسی انسانی سیاست‌های زیست محیطی را برجسته کرد. تغییرات اجتماعی ناشی از تغییرات اقلیمی، بیان‌کننده پیچیدگی فرا روی تصمیمات سیاسی و نیز تحقیقات علمی است. به عنوان مثال موارد ذیل به عنوان چالش‌های عمومی نظام بین‌الملل ناشی از تغییرات اقلیمی طرح می‌شود:

- تأثیر غلظت گازهای گلخانه‌ای بر اتمسفر، وضعیت آینده آب و هوایی را ناشناخته می‌کند.
- تأثیر تغییر آب و هوا، بر توزیع ثروت و رفاه در گستره جهانی ناشناخته است.
- کاهش تولید گازهای گلخانه‌ای و نیل به پایداری آب و هوایی مستلزم تغییرات اجتماعی گسترده‌ای است که چگونگی دستیابی به آن ناشناخته است.
- تلاش برای ساماندهی موثر بر کاهش تولید گازهای گلخانه‌ای جهانی به صورت واضح شکست خورده و تولید این‌دسته از گازها رو به افزایش است.
- توسعه اقتصاد ملی منتهی به صنعتی شدن، غالباً بر اساس استفاده از سوخت‌های فسیلی میسر شد و احتمالاً هر گونه تلاش برای کاهش تولید گازهای گلخانه‌ای به دلیل اینکه کشورهای در حال توسعه از این دسته از سوخت‌ها استفاده می‌کنند محکوم به شکست خواهد بود (Glover, 2006: 2-3)

اما آنچه در این میان حائز اهمیت است تنش در افق‌های زمانی مختلف در درون تفکر سرمایه‌داری است. از سویی، دولت‌ها، نهاد‌های علمی جهانی و سازمان‌های محیط زیست، که دیدگاه تأثیرات انسانی بر تغییرات اقلیمی را که بر هم زنده توسعه پایدار است قبول دارند و از سویی دیگر تعدادی از شرکت‌ها و سرمایه‌داران که نگران آینده تولیدات خود به جهت کمبود سوخت‌های فسیلی هستند بر توسعه کار خود تأکید می‌-

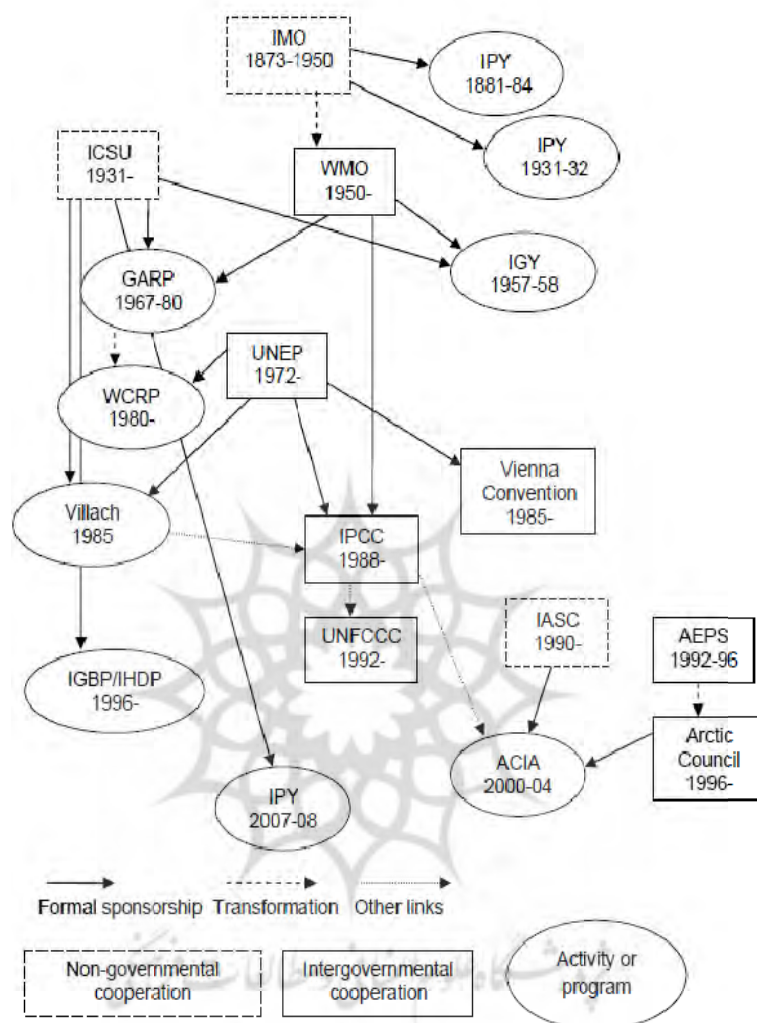
کنند (Lacy, 2005: 59). و این تناقضات خود عاملی برای عدم به نتیجه رسیدن اقدامات جهانی در قبال کاهش آلاینده‌گی های زیست محیطی است.

جدول ۱- گفتمان تغییرات آب و هوایی: چالشهای انتقادی متعارف مدرن و پست مدرن، به تفکیک موضوع

موضوع	مدرنیزه شدن بوم‌شناسی	اقتصاد سیاسی	پست مدرنیسم
علمی	مطالعات علمی متعارف بر پایه عقل گرایی	مطالعات مربوط به سرمایه، علایق دولت ملت و همکاری	ساختارگرایی و علم پساپوزیتیویستی- پشتیبانی کمی برای علم پست مدرن
حکومت لیبرال دموکراتیک	مطالعات روابط بین الملل به ویژه نظریه مکاتب، نهاد گرایی لیبرال و واقع گرایی نو شامل سیاست مبتنی بر بازار. مقبولیت علمی، عقلانی	انتقادات دولت ملت، توسعه ملت ها، شرکت ها، جهانی شدن، پذیرش عمومی علوم رایج، نپذیرفتن تغییرات اقلیمی	بوم‌شناسی سیاسی در طول وضعیت های مختلف حکومت، جایگزین های سیاسی را برای تردید های علمی مطرح می سازد
مدیریت محیطی جهانی	رفع مشکل به عنوان حکومت جهانی و مسئله علمی	پذیرش به عنوان هدف، تردیدی برای نگرش سیاسی متعارف	تردید یا انتقاد هدف از چارچوب متفاوت جهانی

(Glover,2006:4 )

سازمان‌های بین‌المللی اعم از دولتی، غیر دولتی و بین دولتی جهت پیشگیری از روند گرمایش جهانی و نیز حفظ محیط زیست اقدام به برگزاری نشست‌ها و تصویب معاهداتی در این رابطه کردند. در این راستا دیاگرام شماره یک شکل خلاصه شده‌ای از کنفرانس‌ها و کنوانسیون‌های شکل گرفته در این زمینه را نشان می‌دهد.



(Nilsson, 2007:93)

## ۲-۲- تغییرات اقلیمی و امنیت بین الملل

تغییرات اقلیمی نقش برجسته‌ای در ایجاد تعادل و با افزایش تعامل میان تغییر آب و هوا و درگیری و بروز اختلافات دارد. نظریه‌هایی در دهه‌های اخیر مطرح شده که در زمینه‌های متفاوتی از مطالعات و تجزیه و تحلیل معادلات استراتژیک شاخه‌بندی شده است. در این میان با مطالعه جامعه‌شناسی جوامع خطرپذیر جامعه‌شناسان برجسته‌ای چون

آنتونی گیدنز<sup>۱</sup> و نیکلاس لولمن<sup>۲</sup> نظراتی ارائه کردند. آنچه منظور خطر را متبادر می‌سازد برخلاف تهدید، آینده‌ای مبهم و ناشناخته است که ممکن است به‌طور قابل توجهی تأثیر منفی بر زندگی بگذارد و این الگو را متبادر سازد که جوامع مدرن نیز اختلافات و آسیب-پذیری‌هایی مختص به خود به وجود می‌آورند. برای مثال زمانی توسعه صنعتی باعث ایجاد تخریب محیطی و به دنبال آن پدید آمدن خطر می‌شد. لذا امروزه که کشورها تحت کنوانسیون‌ها و رژیم‌های مختلف، مکلف به رعایت حقوق زیست محیطی می‌شوند موضوع محیط زیست به فصل مشترکی میان کشورهای جهان بدل شده است.

پذیرش نوع نظام سرمایه داری و سازگاری با تغییرات آب و هوایی می‌تواند تعادل قدرت را میان کشورها تغییر دهد. این ایجاد سازگاری ممکن است قدرت کشورها را تحت تأثیر خود قرار داده و از طرفی با تامین منابع انرژی تولیدات صنعتی را تحت الشعاع قرار دهد و حمل و نقل و نیروهای مسلح را پشتیبانی کند. از سوی دیگر با سازگار کردن اقتصاد در مواجهه با قحطی، سیل و دیگر اثرات ناشی از تغییرات اقلیمی پیش بینی و تمهیدات لازم را اتخاذ کند. توجه به این نکته حائز اهمیت است که تغییر در قدرت کشورها تحت شرایط خاصی برای سیاست‌های بین‌الملل اهمیت دارد به عنوان مثال زمانی که تعادل و هماهنگی جای خود را به روابط خصمانه و متزلزل داده و یا زمانی که یک کشور توسط همسایگان فرصت طلب احاطه شده باشد. راهبردهای داخلی سازگاری با تغییرات اقلیمی، از لحاظ کارایی و بازده آن نوعی درگیری‌های استراتژیک و نظامی را منجر خواهد شد. در دور نمایی از آینده مصرف کنندگان نظامی و یا عمومی انرژی ممکن است بر سر منابع رو به افول به رقابت پردازند. بنابراین کشورها سعی می‌کنند مقدار مصرف عمومی انرژی خود را کاهش و یا بازده آن را افزایش دهند بدون آنکه تأثیر سوئی بر سلامت عمومی، روحیه عمومی (با تأکید بر مشروعیت مدنی)، اقتصاد و... داشته باشد. در نتیجه توانمندی‌های مهمی در زمینه قدرت نظامی و سیاسی به‌دست خواهند آورد زیرا دارای منابع بیشتری از انرژی خواهند بود.

## ۲-۳- تأثیرات تغییرات اقلیمی بر ژئوپلیتیک

اگر چه در تعاریف متعدد از ژئوپلیتیک نقش تأثیرات اقلیمی کمرنگ دیده شده است و یا آن را در غالب محیط زیست ارزیابی کرده‌اند اما تغییر محوری تغییرات اقلیمی به عنوان پدیده‌ای جغرافیایی و تأثیر مستقیم آن بر زندگی انسانی خود امروز به کلیدی برای

1. Anthony Giddens  
2. Nicolas Lolman

دوباره خوانی موضوع تغییرات اقلیمی در سیاست شده است. حادثه چرنوبیل اگر چه ناشی از مشکلات فنی و فرسودگی راکتور بود اما تأثیر آن بر اقلیم منطقه و مناطق همجوار و نیز تأثیر آب و هوا بر انتشار آن ضایعاتی بس ناگوار به وجود آورد که هنوز نیز نتایج آن مشاهده می‌شود. بنابراین آب و هوا و تغییرات اقلیمی ناشی از آلاینده‌ها، گازهای گلخانه‌ای و تخریب محیط زیست تنها یک موضوع بوم‌شناختی و یا تحت مطالعات جغرافیای طبیعی بازخورد ندارد، بلکه به عنوان فصل مشترکی از زندگی بشری و تأثیر گذار بر مناسبات سیاسی تحلیل می‌شود. اثر گلخانه‌ای که سطح آب دریاها و دمای آن را افزایش می‌دهد، حقیقتی علمی است، ولی تأثیر آن به لحاظ جغرافیایی متفاوت است. بنگلادش ممکن است به واسطه بالا آمدن سطح آب اقیانوس‌ها در نتیجه ذوب یخ‌های قطبی به زیر آب برود. هم زمان، گرم شدن زمین موجب می‌شود که کشاورزی به نواحی شمالی‌تر گسترش یافته و دشت بزرگ ایالات متحده، ایالت‌های پریری کانادا و سبیری مرکزی و غربی در روسیه به زیر کشت بروند (کوهن، ۱۳۸۷: ۳۸). قاعدتاً تحولاتی از این دست چالش‌های جدید جهانی را برای نظام بین‌الملل به وجود خواهد آورد. از یک سو بر هم خوردن نظم‌های ملی و منطقه‌ای به واسطه تغییر در مرزها و سیل عظیم مردمی که خانه‌هایشان به زیر آب فرو رفته‌اند و از سوی دیگر کشف منابع جدید سوخت‌های فسیلی و منابع غنی دریایی و راه‌های جدید دریایی متصور است. شواهد حاکی از آن است که آب شدن یخ‌های قطبی و بالا آمدن سطح دریاها خطر جدی برای جهان محسوب می‌شود. کارشناسان اعلام کرده‌اند قطب‌ها با توجه به روند گرمایش زمین، در صد سال آینده همه یخ‌های خود را از دست خواهند داد. (بیران، هنر بخش، ۱۳۸۶: ۲۴) این دگرگونی‌ها دو چشم‌انداز پیش‌گیرانه و واقع‌گرایانه پیش روی پژوهشگران قرار می‌دهد که در چشم‌انداز پیش‌گیرانه تلاش برای کاهش تولید گازهای گلخانه‌ای و کنترل آن مطرح و واقع‌گرایانه به معنای چگونگی مقابله با اثرات ناشی از گرم شدن زمین و تغییر و تحولات زیست‌شناختی طرح می‌شود. با این وجود، اگر چه تغییر آب و هوایی مستلزم گذشت زمان است اما، بر ژئوپلیتیک و ژئواستراتژی تأثیر زیادی دارد. اثرات بالا آمدن آب دریاها، خشکسالی شدید، یا جاری شدن سیل‌های ساحلی، همه بیان‌کننده خطرات بالقوه است. استراتژی جهانی برای کاهش بلایای طبیعی سازمان ملل<sup>۱</sup> گزارش داده است که در ۳۰ سال گذشته طوفان‌های ویرانگر، سیل و خشکسالی در جهان سه برابر افزایش یافته است (Al-Rodhan, 2011: 48-49).

1. UNISDR



## ۲-۴- جایگاه قطب شمال در ژئوپلیتیک جهانی

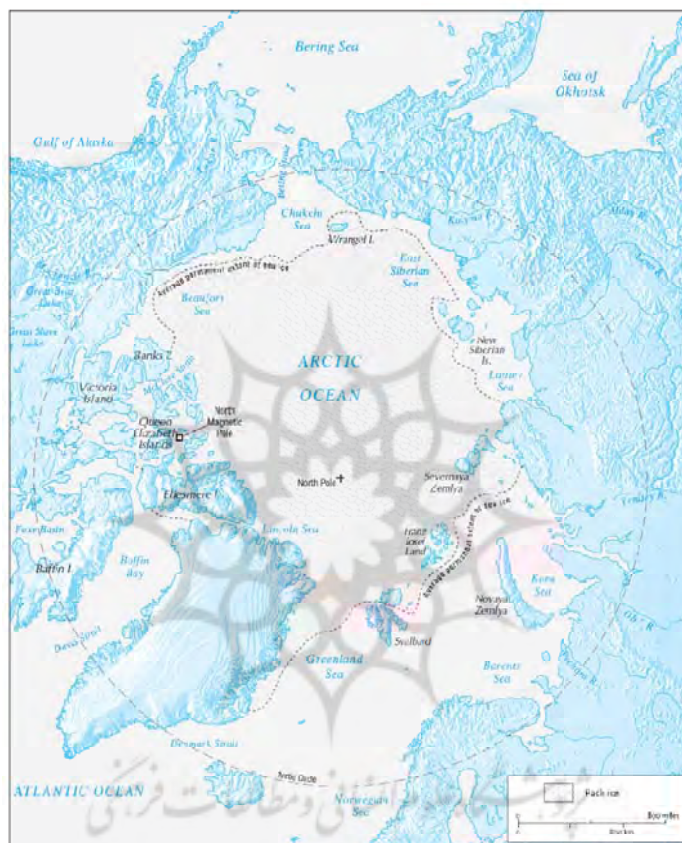
هر مکان یا فضایی که بتوان واژه قلمرو خواهی را برای آن به کار برد دارای بار ژئوپلیتیکی می‌شود و وزن این مناطق با توجه به توانمندی‌های استراتژیک و نیز اقتصادی و فرهنگی و نیز تأثیر پذیری از فاکتورهای مختلف متفاوت است. قطب شمال دریائی است که خشکی پیرامون آن را گرفته است، به گونه‌ای «مدیترانه‌ای» است که در «شمال» واقع شده و قطب مغناطیسی و قطب جغرافیائی زمین هردو در میانه آبهای آن شناورند. هرچند این دریا همواره منجمد است با این همه دشوار بتوان جای پای محکمی در آنجا جست (کوپ، ۲۰۰۷). جایگاه قطب شمال در ژئوپلیتیک جهانی را باید در ابتدا در نظریه سورسکی<sup>۱</sup> جستجو کرد، زمانی که با بهره‌گیری از نقشه آزیموتال صحنه عملیاتی را در منطقه شمالی دو ابرقدرت ایالات متحده و شوروی ترسیم و از تنگه برینگ به عنوان کلید پیروزی یاد کرد. اما با توجه به سختی آب و هوا و عدم هلی برد در این منطقه فعالیت‌هایی در محورهای سنتی هارتلند و ریملند و سایر نظریه‌های ژئوپلیتیکی دوران جنگ سرد متمرکز شد. قابل ذکر است یکی از مهم‌ترین نظریه‌های ژئوپلیتیکی که نیکلاس اسپایکمن<sup>۲</sup> در سال ۱۹۴۴ مطرح کرد مسیرهای هوایی و دریایی منطقه قطب شمال بود که می‌توانست بسیار با اهمیت باشد با این حال اسپایکمن با تشریح شرایط آب و هوایی آن منطقه نتیجه گرفت که اقیانوس منجمد شمالی به‌طور غیر منتظره‌ای دارای اهمیت خواهد شد (Halden, 2007: 110). در سالهای اخیر اقیانوس منجمد شمالی به یکی از مناطق محل رقابت بین‌المللی تبدیل شده است با توجه به منابع و ذخایر طبیعی غنی خود و نیز افزایش درجه دما و گرم شدن زمین به ویژه تأثیر آن بر قطب شمال، باعث رونق گرفتن حمل و نقل دریایی به ویژه از مسیر گذرگاه شمال غربی شده است. چندین کشور به ویژه کانادا، دانمارک، نروژ، روسیه و ایالات متحده علاقه‌مند به نفوذ هر چه بیشتر در قطب شمال به خصوص تمایل به در اختیار داشتن منابع این اقیانوس دارند. برآوردهای صورت گرفته حاکی از اهمیت یافتن این منطقه به عنوان مکانی ژئوپلیتیک است.

صحنه عملیات اقیانوس منجمد شمالی که فعلاً همچون دیگر صحنه بحثی از آن نمی‌شود، صحنه عملیاتی آینده است. این قلمرو جغرافیایی به دلایل ژئواستراتژیک، قدرتهای آینده را رودرروی هم قرار خواهد داد. آبهای این منطقه را مدیترانه قطبی<sup>۳</sup>

1. Seversky
2. Nicolas Spykman
3. Arctic Mediterranean

گفته‌اند؛ به این معنی که همان طوری که دریای مدیترانه سرنوشت جنگها را تا امروز تعیین کرده است، دریای قطب شمال در آینده چنین نقشی را خواهد داشت ( عزتی، ۱۳۸۷: ۴۳) و (zellen, 2009: 8).

نقشه شماره ۱- قطب شمال



(Sagert,2009:50)

### ۳- یافته‌های تحقیق

#### ۳-۱- تغییرات اقلیمی و تحولات ژئوپلیتیکی در قطب شمال

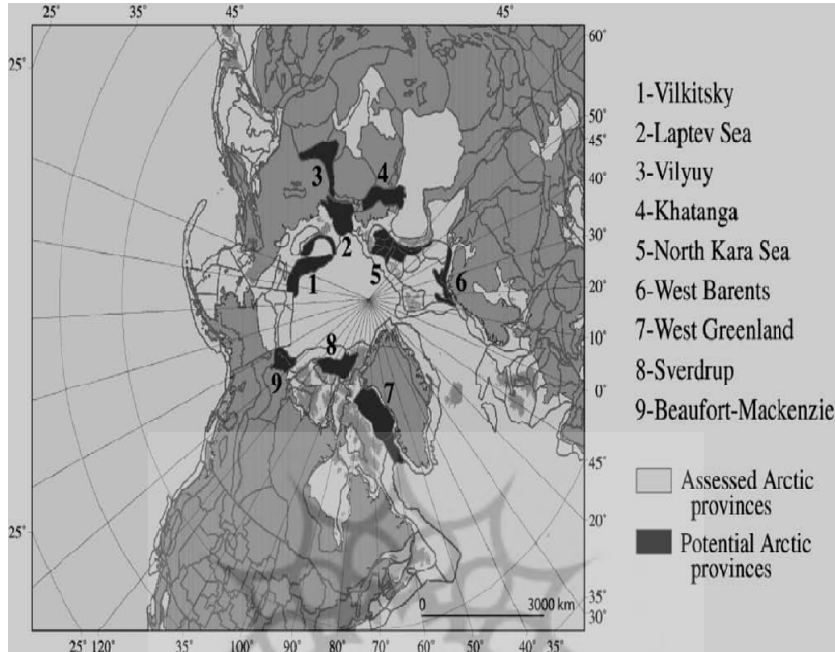
با توجه به همسایگی کشورهای روسیه- ایالات متحده- نروژ- دانمارک - کانادا از طریق قطب شمال، هرگونه تأثیرات ژئوپلیتیکی ناشی از تغییرات اقلیمی بر روابط میان این کشورها تأثیرگذار است. دامنه مسائل مشترک میان این کشورها برآمده از جغرافیای قطب شمال بوده که عمیقاً بیانگر تأثیرگذاری ژئوپلیتیک در آینده سیاست‌های کشورهای

این منطقه است. غالباً مسائل موثر بر ژئوپلیتیک منطقه قطب شمال مشتمل بر موارد ذیل است:

- ۱- دسترسی به منابع سوخت‌های فسیلی و معدنی
- ۲- دسترسی به منابع عظیم غذایی دریایی
- ۳- دسترسی زمینی و ایجاد خطوط کشتیرانی
- ۴- تغییر در خطوط مرزهای ساحلی و دریایی
- ۵- تغییر در توپوگرافی یخ‌های قطب شمال

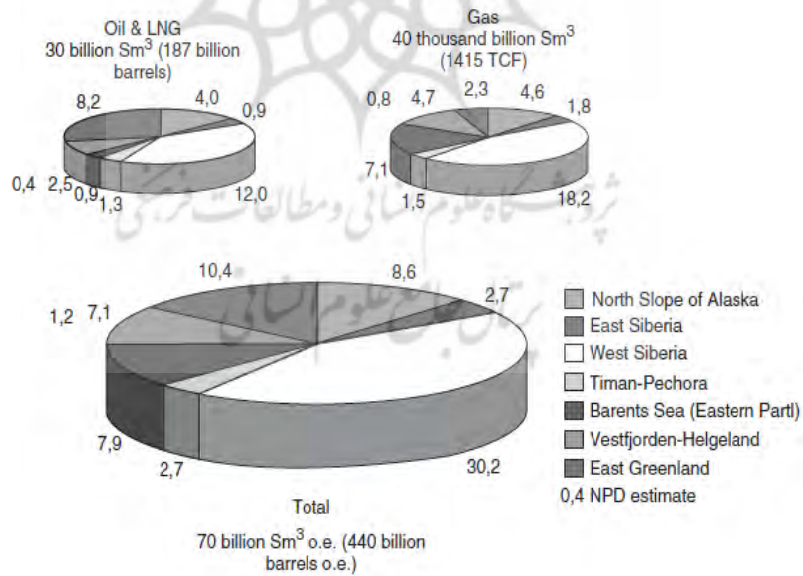
۱- دسترسی به منابع سوخت‌های فسیلی و معدنی: بدون شک و با توجه به پژوهش‌های علمی صورت پذیرفته شده منطقه قطب شمال یکی از مناطق دارای منابع انرژی فسیلی و معدنی بالقوه جهان محسوب می‌شود. در اواخر سال ۲۰۰۹ سازمان انرژی ایالات متحده طی ارزیابی‌ای اعلام کرد قطب شمال حدود ۲۲٪ منابع نفت جهان را در خود جای داده است. (Chapman, 2011: 56-57). با توجه به شرایط اقلیمی موجود امکان استخراج و یا انجام پژوهش‌های فنی بیشتر را مقدور نمی‌نماید. با این حال کشورهایی چون روسیه، آمریکا، کانادا و نروژ ادعاهایی را مبنی بر حوزه‌های انرژی موجود در این منطقه طرح کرده‌اند که بیشتر با اختلاف نظر سایر کشورهای عضو شورای قطب شمال مواجه شده است. بخش زمین‌شناسی ایالات متحده معتقد است یک چهارم ذخایر کشف نشده نفت و گاز دنیا در قطب شمال نهفته است که البته ۶۰٪ این ذخایر در حریم روسی این منطقه قرار دارد.

نقشه شماره ۲- ارزیابی و پتانسیل نفت و گاز قطب شمال



(mekkelsen, langhelle, 2008:3)

طرح‌واره شماره ۱- منابع نفت و گاز ناشناخته قطب شمال



(mekkelsen&langhelle, 2008:3)



تحلیل ژئوپلیتیکی  
رویارویی ایالات  
متحده و روسیه در  
قطب شمال

عمده چالش‌هایی که منجر به واکنش‌های ژئوپلیتیک در حوزه انرژی می‌شود شامل:

۱. تحدید حدود قلمروها برای اکتشاف و استخراج منابع انرژی
  ۲. اکتشاف انرژی مستلزم هزینه‌های هنگفت است.
  ۳. اکتشاف و استخراج امکان آلاینده‌گی زیست محیطی این منطقه را فراهم می‌آورد.
  ۴. خطوط لوله‌های احداثی علاوه بر مسائل مربوط به آلاینده‌گی باعث امنیتی شدن مسیرها می‌شود.
  ۵. ذخایر انرژی قطب به عنوان ذخایر راهبردی محسوب می‌شود.
- ۲- دسترسی به منابع عظیم غذایی دریایی: با توجه به اینکه یخ بنندان شدید و شرایط اقلیمی باعث عدم دسترسی صیادان به مناطق قطبی بود بسیاری از منابع دریایی این منطقه غیرقابل استفاده است لذا گرمایش سطح زمین و آب شدن یخ‌های قطبی باعث دسترسی صنعت صید کشورهای حاشیه قطب به حوضه‌های منابع دریایی بیشتری خواهد شد. این موضوع می‌تواند باعث اختلاف کشورهای عضو شورای قطب در تعیین حدود قلمرو بهره برداری شود.
- ۳- دسترسی زمینی و ایجاد خطوط کشتیرانی: ظرف ۲۰ تا ۳۰ سال آینده ممکن است به علت ذوب شدن یخ‌های قطب شمال حداقل در تابستانها مسیرهای دریایی جدیدی به وجود آیند. این امر می‌تواند برای کشتیرانی بین اروپا و چین، اروپا و آمریکا (در اقیانوس آرام) به علت فاصله کوتاه‌تر مسیرهای کشتیرانی نسبت به فاصله خطوط کشتیرانی کنونی مورد توجه واقع شوند. این مسئله به خودی خود عامل درگیری نیست بلکه نشان دهنده تغییر در وضعیت ژئوپلیتیک است. خطوط کوتاه حمل و نقل می‌تواند کاهش هزینه‌هایی را در پی داشته و برای تغییر در اقتصاد نیمکره شمالی مفید باشد. بر اساس کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای جهان را به سه دسته مختلف تقسیم‌بندی کرده است: آبهای داخلی، آبهای ساحلی (در قلمرو و حاکمیت هر کشور) و آبهای آزاد. با توجه به وضعیت قطب شمال نیاز به بررسی مورد دوم از سه مورد ذکر شده یعنی آبهای ساحلی است. اگر چه گستره آبهای ساحلی و حدود آن همواره در طول سالهای متمادی مورد مناقشه بودند ولی کشورها غالباً محدوده‌ای ۱۲ مایلی را برای خود حفظ می‌کنند. پدیده گرمایش جهانی و ذوب شدن کوه‌های یخ دریای قطب شمال احتمالاً آنقدر سریع پیش نخواهد رفت تا مانع عبور کشتی‌ها از حریم آبی کشورهای ساحلی شود. طبق معاهده دریاهای که در سال ۱۹۸۲ در سازمان ملل به تصویب رسید حریم دریایی کشورهایی که به دریا و اقیانوس راه دارند ۲۰۰ مایل دریایی (هر مایل دریایی ۱۸۵۲ متر) است. اگر کشوری بتواند ثابت کند بستر دریا ادامه فلات قاره‌اش است ۱۵۰ مایل دیگر به

این حریم افزوده می‌شود. روسیه نخستین کشوری بود که در سال ۲۰۰۱ تقاضای این اضافه حریم را کرد اما کمیسیون تعیین محدوده فلات قاره در سازمان ملل برای اثبات این ادعا از روسیه درخواست کرد مدارک علمی بیشتری ارائه دهد. مسکو اعلام کرد در سال ۲۰۱۳ درخواستی جدید ارائه می‌دهد و البته کشورهای ساحلی دیگر هم مثل روسیه قصد دارند حریم بیشتری تقاضا کنند. علاوه بر وضعیت حقوق دریاها در تعیین وضعیت قلمروهای هر کشور در قطب شمال با توجه به تغییرات آبها و زمانی که مسیرهای دریایی آبهای قطب شمال دارای اهمیت اقتصادی شود، قاعدتاً هر یک از این کشورها سعی می‌کند از آن بهره‌برداری کند.

علاوه بر اهمیت اقتصادی مسیرهای دریایی، اگر چنین مسیرهایی در آینده از نزدیک پایگاههای آمریکا و یا روسیه در قطب شمال عبور کنند، احتمال برقراری امنیت کشتیرانی در قطب شمال خواهد بود. این مسیرها احتمالاً در نزدیکی پایگاههایی خواهند بود که محل استقرار سامانه‌های موشکی ایالات متحده و روسیه هستند. این مسئله شامل پایگاه هوایی تاله در گرینلند بوده و همچنین پایگاه‌های موجود در آلاسکا و پایگاههایی که نزدیک جزایر البوشن در دریای برینگ هستند را نیز شامل می‌شود. زمانی که مسیرهای دریایی در قطب شمال باز شوند، دریای برینگ تبدیل به یک نقطه بحرانی و چالش برانگیز کشتیرانی در قطب شمال خواهد شد. این تقابل می‌تواند از راه دو کشور ساحلی آن یعنی ایالات متحده و روسیه ایجاد شود.

۴- تغییر در خطوط مرزی ساحلی و دریایی: مرزها در منطقه قطب شمال اولین بار پس از جنگ اول و دوم جهانی به دلیل افزایش نگرانی‌های امنیتی ابعادی راهبردی پیدا کند (Heininen and Zebich-Knos, 2011: 200). اما پس از جنگ سرد و با افزایش روند آب شدن یخ‌های قطبی پیش‌بینی بالا آمدن آب در مناطق جنوبی قطب می‌شود که علاوه بر افزایش سطح آب اقیانوس‌ها باعث زیر آب رفتن مناطق ساحلی کشورهای حاشیه قطب شده و در معنای واقعی کاهش وسعت کشورها را منجر خواهد شد. این موضوع باعث به وجود آمدن خیل مهاجرینی است که از مکان‌های شمالی تر به سمت دیگر مناطق نقل مکان می‌کنند و این موضوع خود بحرانی پیش‌بینی شده است. علاوه بر بحران‌های انسانی و جانوری تغییر در حدود مرزی می‌تواند بر لزوم نگرشی دوباره بر مرزها بیانجامد و این خود با توجه به اینکه هم اکنون نیز مناطقی از قطب تعیین مرز نشده است، ممکن است تنش‌زا شود.

۵- تغییر در توپوگرافی قطب‌های شمال: طبق گزارش هیأت بین دولتی تغییرات اقلیمی (IPCC)، یکی از تأثیرات بارز تغییر آب و هوا در قطب شمال، ذوب شدن



یخچالهای دائمی است. یخچالهای دائمی، سرزمینی است که به طور دائم و پایدار یخ زده است و پدیده‌ای عادی در قطب شمال محسوب می‌شود که ۲۴/۵٪ از این سرزمین را شامل می‌شود. در بسیاری از پژوهشها عنوان شده است که ذوب شدن یخچالها می‌تواند به عنوان عاملی مستقل و قدرتمند برای تغییر آب و هوا محسوب شود. این یخچالها مقدار عظیمی از دی اکسید کربن و گاز متان در حدود تقریبی ۵۰۰ میلیارد تن، معادل ۷۰٪ از کربن موجود در اتمسفر را در خود جای داده است. چنین فرایندی به‌طور قابل توجهی سرعت گرمایش جهانی را افزایش خواهد داد. ذوب شدن یخچالها، در دراز مدت، بخش‌هایی از قطب شمال را آماده و مهیای استخراج منابع، جنگلداری و یا حتی اسکان می‌کند اما این فرایند در کوتاه مدت ممکن است تهدیدزا باشد. ذوب شدن یخچال‌های دائمی ممکن است ثبات ساخت وسازه‌های بشر مانند جاده‌ها، ساختمان‌ها، خطوط لوله در منطقه را با مشکل مواجه سازد. این مشکل بیشتر در روسیه نمود پیدا می‌کند، یعنی در مکانهایی که تمرکز شهرها و ساختمان‌های است، در شهرهایی مانند تیکسی، یا کوتسک ممکن است مشکلات حادی در صورت عدم برنامه‌ریزی اقدامات حفاظتی، به وجود آید. علاوه بر آن، اقیانوس منجمد شمالی به عنوان خط مقدم درگیری‌های دیگر است، زیرا فضولات صنعتی و آلودگی‌های مربوط بقایای ساختارهای جنگ سرد این منطقه را تهدید می‌کند (Dodds, 2007: 138).

علاوه بر عوامل ذکر شده که باعث اهمیت قطب شامل می‌شود، پس از جنگ جهانی دوم این منطقه به عنوان آزمایشگاه هسته‌ای مورد استفاده دو ابرقدرت قرار گرفت اما برجسته شدن ابعاد زیست محیطی قطب شمال آویژه دفع زباله‌های هسته‌ای توسط روسیه در شمال غرب روسیه (Hønneland, 2003: 24) [منجر به تغییر مکان آن در روسیه از ننتس<sup>۱</sup> به نووایا<sup>۲</sup> و در ایالات متحده در جزیره آمچیتکا<sup>۳</sup> آلاسکا این تاسیسات استقرار یافت (Kurtz and Watson, 2009: 187)].

1. Nenets
2. Novaya
3. Amchitka

## ۲-۳- کشورهای رقیب در قطب شمال

در مجموع هفت کشور؛ ایالات متحده آمریکا، روسیه، کانادا، نروژ، دانمارک، ایسلند و فنلاند به عنوان اعضای دائم شورای منطقه شمالگان، همجوار قطب شمال محسوب می-شوند که هر یک در تلاش‌اند تا منافع خود را از این منطقه پر اهمیت به دست آورند. در این میان تبیین اهداف چهار کشور روسیه، ایالات متحده، نروژ و کانادا به عنوان اصلی‌ترین مدعیان در قطب شمال حائز اهمیت است. این اهداف به شرح ذیل خلاصه شده است:

الف: اهداف ایالات متحده آمریکا:

۱- همپوشانی امنیت ملی و امنیت سرزمینی ایالات متحد در تعیین رژیم قطب

شمال

۲- حفاظت از محیط زیست و منابع زیستی قطب شمال

۳- تعهد در قبال مدیریت منابع طبیعی و توسعه اقتصادی با محیط زیست پایدار

۴- توسعه مؤسسات به منظور توسعه همکاری‌های ملت‌های حاشیه قطب شمال

۵- دخالت دادن جوامع بومی قطب شمال در تصمیم‌گیری‌های موثر در این منطقه

۶- افزایش نظارت و پژوهش‌های علمی در مورد مسائل زیست محیطی ( Kraska, )

253: 2010)

۷- نظارت بر فعالیت‌های راهبردی روسیه در منطقه

ب: اهداف روسیه:

۱- دسترسی به منابع اولیه شامل سوخت‌های فسیلی و منابع معدنی

۲- توسعه خطوط حمل و نقل دریایی

۳- ایجاد پایگاه‌های نظامی

۴- توسعه فلات قاره

۵- نظارت بر فعالیت‌های راهبردی ایالات متحده در این منطقه

ج: اهداف نروژ:

۱- دسترسی به منابع نفتی

۲- دسترسی به منابع آب‌زیان دریایی

۳- توسعه خطوط مرزی و تثبیت آن به طرف شمال

۴- حفظ محیط زیست منطقه

د: کانادا:

۱- تثبیت مالکیت روی مناطق ادعایی



- ۲- بهره مندی از منابع سوخت‌های فسیلی قطب شمال
- ۳- اتحاد راهبردی با ایالات متحده در مقابل ادعاهای روسیه
- ۴- توسعه کشتیرانی در مناطق شمالی

### ۳-۳- قطب شمال صحنه آینده رقابت‌های راهبردی آمریکا و روسیه

علاوه بر عمده مشکلات سنتی روسیه در قطب شمال که عبارت‌اند از: ۱- مناقشات پنهان روسیه با فنلاند در ورای کارالیا<sup>۱</sup> که قبل از سال ۱۹۴۰ بخشی از آن مورد استفاده قرار می‌گرفت. ۲- اختلاف طولانی مدت با نروژ در مورد تحدید مرزی در قطب شمال. ۳- اختلاف مشابه بر سر توافقنامه ۱۹۹۰ با ایالات متحده که در مجلس روسیه مورد تصویب قرار نگرفت. ۴- مشکلات سنتی فلات قاره در اقیانوس منجمد شمالی. (Trenin, 2001: 146-147) همواره این پرسش مطرح است که آیا قطب شمال منطقه‌ای خواهد بود که تقابلی میان روسیه و ایالات متحده به وجود خواهد آورد؟ در واقع همجواری دریایی و سرزمینی این دو قدرت در این منطقه و نیز مسائلی از قبیل منابع سوخت‌های فسیلی و نیز راه‌های دریایی و... به موضوعاتی بدل شده است که قلمروخواهی آمریکا و روسیه را در قطب شمال تشدید کرده است. برخی از مقامات ارشد نظامی ایالات متحده از احتمال به وجود آمدن جنگ سرد در این منطقه اظهار نگرانی کرده‌اند و خواستار تقویت حضور نظامی آمریکا در قطب شده‌اند. ناتو نیز معتقد است گرم شدن زمین و رقابت بر سر منابع در قطب شمال ممکن است به درگیری منتهی شود زیرا این منطقه تاکنون پوشیده از برف و یخ بوده‌است و استعداد تغییر توازن ژئوپلیتیک را دارد. توسعه کشتیرانی روسیه که در برگیرنده ناوگان نظامی هم می‌شود قاعدتاً تهدید کننده امنیت راهبردی آمریکا است. براساس دستور العمل سیاست خارجی ایالات متحده در سال ۲۰۰۹، «استقرار سامانه‌های دریایی و هوایی برای کمک به حمل‌ونقل دریایی، بازدارندگی راهبردی، حضور در دریا و تأمین امنیت دریایی» است. این اقدامات در راستای سیاست‌های ایالات متحده در قطب شمال عبارت‌اند از:

- ۱- همپوشانی امنیت ملی و امنیت سرزمینی ایالات متحد در تعیین رژیم قطب شمال
- ۲- حفاظت از محیط زیست و منابع زیستی قطب شمال
- ۳- تعهد در قبال مدیریت منابع طبیعی و توسعه اقتصادی با محیط زیست پایدار

1. Karelia

- ۴- توسعه مؤسسات به منظور توسعه همکاری‌های ملت‌های حاشیه قطب شمال
- ۵- دخالت دادن جوامع بومی قطب شمال در تصمیم‌گیری‌های مؤثر در این منطقه
- ۶- افزایش نظارت و پژوهش‌های علمی در مورد مسائل زیست محیطی ( Kraska, 2010: 253) پیاده‌سازی می‌شوند.

ایالات متحده از این راه می‌خواهد سرتاسر قطب شمال را به عرصه مشرف خود تبدیل کند که از آن جمله مسیر دریای شمال در امتداد سواحل روسیه است؛ مسیری که روسیه آن را آبراه ملی خود می‌داند. لذا به نظر می‌رسد تغییرات اقلیمی باعث افزایش مسیرهای تردد دریایی و به تبع ناوگان‌های نظامی طرفین شود. در این راستا تحرک نظامی آمریکا، روسیه، ناتو و کانادا در برگزاری مانورهای نظامی در قطب شمال قابل تامل است مضاف اینکه کانادا، در تدوین راهبرد دفاعی خود در سال ۲۰۰۸، طی برنامه ای ۲۰ ساله توسعه ارتش و هزینه و قابلیت‌های دفاعی این کشور را درباره ادعای مالکیت خود بر قسمت‌هایی از قطب شمال را مد نظر قرار داده است. (Chapman, 2011: 32)

این ادعاها با توجه به برقراری پروازهای هواپیماهای راهبردی روسیه و نیز پروازهای راهبردی ایالات متحده که از دوران جنگ سرد تا کنون ادامه دارد نشان دهنده اهمیت راهبردی قطب شمال است. از سوی دیگر، هر دو کشور روسیه و آمریکا در حال افزایش توان نظامی خود در قطب شمال هستند. لذا نظامی شدن منطقه را نمی‌توان نادیده گرفت از سوی دیگر حفظ حفاظت از محیط زیست منطقه در گرو همکاری مشترک است. (Brigham, 2011: 18-19). حفاظت از قلمروهای راهبردی و نظامی روسیه در حاشیه اقیانوس منجمد شمالی از جمله سیاست‌های پر اهمیت روسیه است زیرا این کشور سعی می‌کند حفاظت از پایگاههای اطراف مورمانسک که دارای اهمیت زیادی در راهبرد نیروی دریایی است را تأمین کند (Boyd & Comenetz, 2007: 232) بدین ترتیب است که این رقابت‌های استراتژیک همواره عاملی برای تشدید اختلافات می‌شود. علاوه بر این، در قطب شمال، برخوردهای عمده‌ای در رابطه با اختلاف فلات قاره و حقوق حمل و نقل وجود دارد. احتمالاً درگیری‌های مسلحانه و یا تهدید به درگیری وجود خواهد داشت. روسیه می‌خواهد کنترل حمل و نقل از راه گذرگاه شمال شرقی و کانادا کنترل حمل و نقل آن از راه شمال غربی، را در اختیار داشته باشد (آرلی، ۱۳۹۰: ۱۵۳).



تحلیل ژئوپلیتیکی  
روبارویی ایالات  
متحده و روسیه در  
قطب شمال

### نقشه شماره ۳- قلمروها در قطب شمال



- 1- منازعات حدود مرز بین روسیه و نروژ در دریای بارنتس
- 2- ادعای حاکمیت دانمارک و کانادا بر جزیره هانس
- 3- جدیت و کنترل گمرک شمال غربی بین ایالات متحده و کانادا
- 4- حسیس مرز بین ایالات متحده و کانادا بر دریای بارنتس

- 5- منازعات باقی مانده قلمروی روسیه در دریای باریک و منازعات حدود قلمروی ایالات متحده و روسیه در دریای باریک

مسیرهایی که تا ۱۰ تا ۱۵ سال آینده به واسطه گرمایش زمین و آب شدن یخ های قطب شمال قابل بهره برداری خواهد شد.

امضای شورای قطب شمال: کانادا - دانمارک - ایالات متحده - فنلاند - ایسلند - نروژ - روسیه - سوئد

شرکت کنندگان دائمی در شورای قطب شمال: کفارس و وضعیت قطبی اینویوت

شورای قطبی آنتارکتیک

شورای بین المللی جنوب

انجمن بین المللی آنت

انجمن روسی برزدها بومی شمال

شورای سامی

منابع انرژی و معدنی در دست بهره برداری یا اکتشاف: استخراج گاز و نفت مواد معدنی

نوله های اصلی گاز و نفت برآمده بزرگ شده و در دست بهره برداری

نوله های کوچکتر اصلی نفت (بیش از ۵۰۰۰ تن)

مرزهای قلمرو قدرت دریایی مورد توافق دو جانبه خطوط دارای مسافت مساوی یا ۲۰۰ مایل دریایی از سواحل

خطوط قلمروی مورد ادعای روسیه نروژ

کانون های اصلی جمعیت

مناطق دریایی مورد ادعا: روسیه دانمارک روسیه و دانمارک ایالات متحده کانادا نروژ نروژ و روسیه (منطقه حاکمیتی) منطقه دریایی تحت پوشش پیمان سولتارد (۱۹۲۰)

حضور نظامی

خط خطر پیشین شمالی سیستم رادار هوایی استراتژیک

PHILIPPE REKACEWICZ

Note: le « loop » hole et le « barrens » hole sont des zones de haute mer issues internationales

Sources: Conseil de l'Arctique; Institut polaire norvégien, Permanent Participants of the Arctic Council; carte établie par Wilfried Dalfemar; ministère canadien des affaires étrangères et du commerce international; International Boundaries Research Unit Database, University of Durham (IBRU); Bureau statistique norvégien; United States Energy Information Administration (EIA); National Oceanic and Atmospheric Administration (NOAA); Project of a Warning Arctic Arctic Climate Impact Assessment (ACA) Overview Report, Cambridge University Press, 2004; World Arctic Geophysics, People and Global Heritage on our Last Wild Shores, Norwegian, FAU/GEU-Arctic, 2005; Division for Ocean Affairs and Law of the Sea, Commission on the Limits of the Continental Shelf (CLCS); ministère norvégien des pêches et de l'énergie (OM, Norvège); Alaska Science Forum, Geophysical Institute, université d'Alaska Fairbanks.

Tennberg, 2009: 292

### نتیجه گیری

تغییرات اقلیمی به عنوان عاملی قابل بحث در تغییر وضعیت ژئوپلیتیکی به حساب می آید. از آنجاکه ژئوپلیتیک به امر پیش بینی قدرت و قلمروخواهی در بستر جغرافیا می پردازد به دست آوردن تفسیری قطعی از پدیده های آب و هوا که خود امری متغیر است، بسیار پیچیده است. با این حال به دست آوردن دورنمایی نسبی از تأثیر تغییرات اقلیمی در قطب شمال بر زندگی بشر و توازن ژئوپلیتیک امری ناممکن نیست. منابع انرژی و مسیر های حمل و نقل به همراه قلمروخواهی کشورهای قدرتمند چون امریکا و روسیه متصور است این در حالی است که تحرکات نظامی هر دو کشور با محوریت قطب شمال

و همچنین فعالیت ناتو در برگزاری مانورهای نظامی و نیز برقراری پروازهای هواپیماهای راهبردی، می‌تواند زمینه‌ساز اتحادیه‌هایی میان کشورهای قطب شمال شود که در این میان برخلاف اختلاف عقیده کانادا در مرزهای دریایی با ایالات متحده، اتحاد آن با این کشور در برابر روسیه، زمینه‌ی یارکشی‌های جدید در مواجهه دو قدرت را پدید آورده است. روسیه برنامه‌هایی برای افزایش نفوذ خود در قطب شمال آغاز کرده است و این برنامه‌ها غالباً با نگرانی دیگر همسایه‌های قطبی روسیه همراه است. هرچند که در برخی از امور تفاهم‌نامه‌هایی با برخی از کشورهای حاشیه قطب امضاء کرده است اما این موارد مقطعی و بلند مدت قلمداد نمی‌شود چرا که روسیه اهداف بلند مدت خود را در ازای تعهدات کوتاه مدت قربانی نمی‌کند و عموماً این اهداف بلند مدت بر اساس راهبردی و فن‌های ایالات متحده انعطاف‌پذیر هستند.

با توجه به طول سواحل روسیه در منطقه قطب شمال که بسیار وسیع است و نیز وجود منابع انرژی، انتظار می‌رود این کشور در آینده نسبت به ارتقای سطح نظامی خود از راه افزایش پروازها و نیز ناوهای جنگی اقدام کند و قاعدتاً اقدامات از این دست باعث واکنش سایر کشورها خواهد شد.

خارج شدن از وضعیت بری برای روسیه این امکان را پدید می‌آورد تا از راه دریا و تنگه‌ها و گذرگاه‌های متصل به قطب شمال به آبهای آزاد دسترسی داشته باشد و مسلماً این دسترسی تضمین‌کننده ارتقاء سطح ژئواکونومیکی این کشور در آینده است. از آنجاکه قطب شمال صحنه ژئواستراتژیکی آینده قلمداد می‌شود لذا تقابلات نظامی و اقتصادی در این منطقه با توجه به وجود منابع راهبردی امری دور از ذهن نیست. با توجه به اینکه با آب شدن یخ‌ها و امکان استخراج منابع انرژی از قطب محتمل به نظر می‌آید تحدید حدود قلمروهای دریایی مشخص‌کننده سهم هر کشور در این منابع است. لذا هر کشور در ادعاهای مالکیتی خود وسعت بیشتری را برای خود تعریف می‌کند که این مسأله خود باعث بروز تنش‌های ژئوپلیتیک در منطقه است.

بنابراین در پاسخ به پرسش این مقاله، باید عنوان داشت که با آب شدن یخ‌های قطبی، روسیه از یک همسایه بالقوه در شمال با ایالات متحده به همسایه بالفعل تبدیل می‌شود که علاوه بر توسعه حمل و نقل دریایی با تفکری مطالبه‌گرانه بر اساس اقتضاء جغرافیایی خود به منابع راهبردی قطب شمال می‌نگرد. این در حالی است که به موازات این مطالبات توسعه نظامی‌گری و گسترش سیستم‌های راهبردی نظامی از جمله ایجاد پایگاه‌های نظامی و پروازهای شناسایی خود را افزایش خواهد داد. از سوی دیگر ایالات متحده نیز در تلاش برای حضور مستمر خود در قطب شمال برای اشراف بر تحرکات

روسیه خواهد بود تا بتواند ضمن تأمین منافع ژئواکونومیکی خود، اهداف ژئواستراتژیک را نیز با محوریت سیاست‌های نظامی دنبال کند. از این رو تلاش می‌کند کشورهای دیگر حاشیه قطب را به خود هم نظر کند. اما گذار از صحنه عملیاتی اقیانوس آرام به آرکتیک در واقع از ۳۰ تا ۴۰ هزاره سوم میلادی اتفاق می‌افتد. از این رو تلاش‌ها و فعالیت‌های فعلی این کشورها زمینه‌ساز تغییرات جهانی آینده در این منطقه می‌شود.

### منابع

- آرلی، جیمز (۱۳۹۰)، ژئوپلیتیک تغییرات جوی، مترجم: محمد حسن نامی، تهران: انتشارات سهره.
- ببران، صدیقه (۱۳۸۶)، تغییر اقلیم، چالش زیست محیطی قرن بیست و یکم، تهران: انتشارات مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- عزتی، عزت‌اله (۱۳۸۷)، ژئواستراتژی در قرن بیست و یکم، چاپ پنجم تهران: انتشارات سمت.
- عزیز، قاسم (۱۳۸۲)، تغییر اقلیم، تهران: انتشارات قومس.
- کوپ، دومینیک (۲۰۰۷)، آغاز جنگ سرد بر روی یخ‌های قطب شمال، ترجمه: منوچهر مرزبانیان، لوموند دیپلماتیک: <http://ir.mondediplo.com/article1169.html>
- کوهن، سوئل بی (۱۳۸۷)، ژئوپلیتیک نظام جهانی، مترجم: عباس کاردان، تهران: انتشارات ابرار معاصر.
- Al-Rodhan, Nayef R.F (2011), The Politics of Emerging Strategic Technologies Implications for Geopolitics, Human Enhancement and Human Destiny, Published by: PALGRAVE MACMILLAN
- Boyed, Andrew and Joshua Comenetz (2007), An atlas of world affairs, eleven edition, published by Routledge
- Brigham, Lawson W (2011), Arctic Security in an Age of Climate Change, edit: JAMES KRASKA, article: The Challenges and Security Issues of Arctic Marine Transport, Published by: Cambridge
- Chapman, Bert (2011), geopolitics: a guide to the issues, published by praeger
- Dodds, Klaus (2007), A very short introduction to Geopolitics, published by Oxford
- Glover, Leigh (2006), postmodern climate change, Published by: Routledge
- Halden, peter (2007), the geopolitics of climate change challenges to the international system, Sweden: published by FIO

- Heininen, Lassi and Michele Zebich-Knos (2011), The Ashgate Research Companion to Border Studies, Edit: Doris Wastl-Walter, Article: Polar Regions – Comparing Arctic and Antarctic Border Debates, Published by: Ashgate
- Hønneland, Geir (2003), Russia and the West Environmental co-operation and conflict, Published by: Routledge
- Kraska, James (2011), Arctic Security in an Age Climate Change, article: The New Arctic Geography and U.S. Strategy, Published by: Cambridge University
- Kurtz, M. and A. Watson (2009), International encyclopedia of human geography, edits: ROB KITCHIN and NIGEL THRIFT, Part of Arctic, published by Elsevier
- Lacy, Mark J (2005), Security and Climate Change International relations and the limits of Realism, Published by: Routledge
- Mikkelsen, aslug and oluf langhelle (2008), arctic oil and gas sustainability at risk?, published by routledge
- Nilsson, annika E (2007), a changing arctic climate science and policy in the arctic climate impact assessment, Norway: published by Linköping university
- Sagert, Kelly boyer (2009), encyclopedia of world geography, part of Arctic Ocean, published: fact on file
- Tennberg, Monica (2009), climate Governance in the arctic environment, article: is adaption governable in the arctic?..., edits: Timo koirurova and other, published by Springer
- Trenin, Dmitri (2001), The End of Eurasia: Russia on the Border between Geopolitics and Globalization, published by the Carnegie Endowment for International Peace
- Zellen, Barry Scott (2009), arctic doom arctic boom: the geopolitics of climate change in the arctic, published by praeger



تحلیل ژئوپلیتیکی  
روبارویی ایالات  
متحده و روسیه در  
قطب شمال

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی